

Sexual violence toward the child as a human rights violation*Mansoure Fasih Ramandi¹***Abstract**

Sexual violence against children in different forms is a serious problem for all countries which it requires considerations at the national and transnational level. Therefore, this abnormality, that the essence of it is the child's human rights violation, has been impelled most jurisprudential systems to welcome different policy in order to support children's sexual violence damaged and considers special ways to criminal protection of them.

The international human rights system emphasizes the inherent dignity of human beings has been considered support from child victims of violence and sexual crimes in the form of international conventions and covenants. Considering the existence of a comprehensive system of human rights rules to protect human dignity what is the documentary evidence of the international system approach to the criminalization of sexual violence against children? On the other hand, with regard to joining of Iran to some of conventions in the field of human and children rights, do legislative policy has effective supportive ability for children against any kind of sexual violence?

In this article as a result of using descriptive-analytical method as well as review of international documents and human rights conventions and research this subject in Jurisprudential System of Islamic Republic of Iran, however, according to human rights treaties children because of their vulnerability have beneficial from Special and general support (which are additional) legitimate criminal policy doesn't have Specific strategy and also adequate compliance in this abnormality compared with international documents.

Keywords

Child, Violence, Human Rights, Sexual Violence, Sexual Crimes

1. Assistant Professor, Institute of the culture, Art and Communication
Tehran, Tehran, Iran. Email: fasih@ricac.ac.ir

Please cite this article as: Fasih Ramandi M. Sexual violence toward the child as a human rights violation. Iran J Med Law 2018; 12(46): 207-234.

خشونت جنسی نسبت به کودک به مثابه نقض حقوق بشر

منصوره فصیح رامندی^۱

چکیده

اعمال خشونت جنسی نسبت به کودکان به صورت‌های مختلف، مسأله‌ای جدی برای همه کشورهاست که مستلزم ملاحظات در سطح ملی و فراملی است. این ناهنجاری که نتیجه اصلی آن نقض حقوق بشر کودک است اغلب نظام‌های حقوقی را بر آن داشته تا با هدف حمایت از کودکان بزه‌دیده خشونت جنسی به اتخاذ یک سیاست افتراقی روی آورده و تدابیر ویژه‌ای را در حمایت کیفری از چنین بزه‌دیدگانی در نظر گیرند. چنانچه نظام بین‌الملل حقوق بشر با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، حمایت از کودکان قربانی خشونت و جرائم جنسی را در قالب میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار داده است. با توجه به وجود نظام جامعی از قواعد حقوق بشری ناظر بر حمایت از کرامت انسانی، رویکرد نظام بین‌المللی به جرم‌انگاری خشونت جنسی نسبت به کودکان بر چه مستنداتی استوار است؟ با توجه به الحاق ایران به برخی از میثاق‌ها و کنوانسیون‌ها در حوزه حقوق بشر و کودک، آیا سیاست تقنینی ایران، از قابلیت حمایتی مؤثر از کودک در مقابل اعمال هر گونه از مصادیق خشونت جنسی برخوردار است؟ به نظر می‌رسد معاهدات بین‌المللی در حوزه حقوق کودکان، با رویکرد حقوق بشری، مهم‌ترین اسنادی هستند که لزوم ایجاد چتر حمایتی از این قشر آسیب‌پذیر در قبال جرائم جنسی را انعکاس می‌دهند. رویکرد نظام حقوقی ایران به تبعیت از فقه جزایی اسلام، منحصر به جرم‌انگاری خشونت جنسی در معنای عام آن بوده و فاقد رویکرد افتراقی است. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوق بشری و بررسی وضعیت این موضوع در نظام حقوقی ایران چنین نتیجه گرفته می‌شود که گرچه در معاهدات حقوق بشردوستانه، کودکان به علت آسیب‌پذیر بودن از حمایت - عام و خاص که جنبه تکمیلی و اضافی دارند، برخوردارند، سیاست جنایی تقنینی ایران فاقد راهبرد مشخص و انطباق لازم در زمینه این ناهنجاری در مقایسه با اسناد بین‌المللی است.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران. Email: fasih@ricac.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۲

واژگان کلیدی

کودک، خشونت، حقوق بشر، خشونت جنسی، جرائم جنسی

مقدمه

از گذشته تاکنون خشونت بر علیه کودکان همواره وجود داشته و هر ساله میلیون‌ها کودک در معرض آزار و اذیت در اقسام مختلف آن قرار گرفته‌اند، سازمان بهداشت جهانی (WHO) خشونت نسبت به کودکان را «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه کودک به دست والدین و یا سایر افراد مسؤول می‌داند» (۱). بر مبنای رویکرد سازمان بهداشت جهانی هر گونه آسیب جسمی، روانی، سوء استفاده جنسی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال خشونت بر علیه کودک قلمداد می‌شود. بنابراین اعمال خشونت بر علیه کودک در قالب خشونت جسمی، روانی و جنسی قابل تصور خواهد بود. در این میان مقوله خشونت جنسی به جهت حفظ کرامت ذاتی کودک از سویی و حفظ هنجارها و الگوهای متعارف زندگی از سوی دیگر از اهمیت بالایی برخوردار است.

خشونت جنسی عبارت است از درگیر نمودن کودک در فعالیت جنسی که وی آن را به صورت کامل درک نمی‌کند، در عین این‌که به دلیل عدم رشد عقلی و بدنی کودک عنصر رضایت در این ناهنجاری مخدوش است و عنصر اکراه و عنف در آن محرز است، این رفتار مذموم جنسی نسبت به کودکان در قالب‌های مختلفی چون تجاوز جنسی، اقسام اعمال منافی عفت و اخلاق و صنعت هرزه‌نگاری به عنوان جرائم جنسی علیه اشخاص قابل بررسی است. طبق گزارش مطالعه دبیر کل سازمان ملل متحد و گزارش جهانی در زمینه خشونت علیه کودکان، تقریباً ۱۵۰ میلیون دختر و ۷۳ میلیون پسر زیر ۱۸ سال در سال ۲۰۰۲ رابطه جنسی اجباری و بسیاری از اشکال خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. آثار مخرب و بسیار شدید این نوع از خشونت نسبت به کودکان از یکسو و امتناع خانواده‌های کودکان آزار دیده از افشای این واقعه از سوی دیگر، اقدام به موقع برای درمان و رفع مخاطرات بعدی را غیر ممکن می‌کند و بر عمق این نوع از کودک‌آزاری می‌افزاید. در برابر این معضل جهانی و به منظور افزایش بازدارندگی و حمایت ویژه کیفی از کودکان در مقابل ارتکاب چنین جرائمی، نظام حقوق بشر نسبت به ایجاد یک صلاحیت کیفی توسعه یافته اقدام نموده است، چراکه امروزه به واسطه دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و تغییر نگرش جوامع نسبت به انسان، در نتیجه تلاش‌های اندیشمندان و مصلحان اجتماعی، نوع نگاه‌ها به کودکان و دوره کودکی تغییر کرده و به واسطه

آسیب‌پذیری این قشر، شاهد رویکردهای بین‌المللی با تمرکز بر حفظ حقوق بشری کودکان هستیم که اوج آن در تدوین و تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تجلی پیدا کرده است. در خصوص جرم‌انگاری این ناهنجاری اخلاقی در ایران، با توجه به تصریح اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر انطباق کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی و... بر موازین اسلامی نظام حقوقی ایران بر پایه فقه جزایی امامیه سیاست‌های کیفی ویژه‌ای را در خصوص جرم‌انگاری خشونت جنسی در معنای عام آن در پیش گرفته است که در موارد متعددی از قابلیت تعمیم نسبت به کودکان نیز برخوردار است، البته نباید از نظر دور داشت که این تعمیم همه‌جانبه و کامل نیست، حتی در مواردی شاهد یکسان‌پنداری قربانیان این جرائم در جبران خسارت هستیم. در واقع قوانین ایران از نظر یافته‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناسی و اسناد بین‌المللی، نسبت به حقوق کودک، به ویژه در بحث از خشونت‌های جنسی، دارای خلأهای مشهودی است که تنها با مطالعه تطبیقی اسناد و قوانین و مقررات داخلی می‌توان این خلأها و نارسایی‌ها را روشن ساخت و در نتیجه راه‌کاری اصلاحی در جهت حمایت بیشتر از کودکان ارائه داد.

در خصوص پیشینه پژوهش در بحث از خشونت جنسی نسبت به کودکان شاهد پژوهشی مستقل با محور مذکور نیستیم، البته در زمینه اعمال خشونت نسبت به کودک ذیل بحث از حقوق کودک مقالات مختلفی به رشته تحریر درآمده و هر یک از زوایای متفاوتی به این موضوع توجه داشته‌اند، به عنوان مثال نوری (۱۳۸۷ ش.) در مقاله خود با عنوان «خشونت خانگی علیه کودکان، چیستی و چرایی» به بحث از ماهیت خشونت خانگی پرداخته و ضمن بررسی علل بروز آن، تضمینات قانونی موجود در پیمان‌نامه حقوق کودک و نظام حقوق داخلی را مورد توجه قرار داده است. نتایج تحقیق پیمان پاک و همکاران (۱۳۹۴ ش.) با عنوان «دیدگاه اسلام و پیشوایان دینی در مقابله با کودک‌آزاری» بیانگر این نکته است که خشونت نسبت به کودکان بر اساس مبانی شرعی ممنوع بوده و اسلام با در نظر گرفتن نیازهای کودک، زمینه لازم را برای رشد و تکامل وی فراهم نموده است. بر مبنای تحقیق مقدادی (۱۳۹۲ ش.) «مصونیت و حمایت در برابر خشونت به مثابه حقی مسلم برای کودک»، تنبیه بدنی کودک که در نظام حقوقی ما نیز به عنوان یکی از حقوق والدین در نظر گرفته شده از مصادیق بارز خشونت بوده، در حالی که بر اساس مبانی اسلامی و پیمان‌نامه حقوق کودک حفاظت از وی در

مقابل هر گونه آزار و خشونت یکی از حقوق مسلم و شناخته شده است. وجه مشترک مقالات موجود در این حوزه، انحصار بر موضوع خشونت نسبت به کودکان و کودک آزاری در معنای عام آن بدون تمرکز بر ماهیت خشونت جنسی علیه کودک است. هدف از نوشتار پیش رو مذاقه‌ای تطبیقی بر تضمینات و حمایت‌های قانونی در دو سطح بین‌المللی و ملی در مقابله با خشونت جنسی و احصای مصادیق مختلف آن و چگونگی جرم‌انگاری این رفتار خشن جنسی نسبت به کودک به جهت تزییع حق بشری وی است که از این رهگذر خلأهای قانونی موجود نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

ماهیت خشونت جنسی

بنا بر نظر بزه‌دیده‌شناسان از میان انواع مختلف اعمال خشونت، اذیت و آزار جنسی نگران‌کننده‌ترین رفتار است و تأثیرات مخربی بر روحیات و عواطف انسانی می‌گذارد. خشونت جنسی نسبت به کودک یا کودک آزاری جنسی (CSA) یک اختلال بالینی یا تشخیص روانپزشکی نیست، بلکه رویداد یا مجموعه رویدادهایی است که کودک یا نوجوان را مفعول خود قرار می‌دهد، اگرچه تعریف قانونی خشونت جنسی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، اما همه جوامع بر این نکته که این ناهنجاری عملی شنیع و غیر انسانی است، اشتراک نظر دارند (۲). منظور از آزار جنسی کودک و ادا کردن کودک به فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. سوء استفاده جنسی، تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به منظور تحریک جنسی مورد سوء استفاده قرار دهد (۳).

بنابراین خشونت جنسی نسبت به کودکان می‌تواند به عنوان هر نوع فعالیت جنسی با کودکان توسط یک فرد بالغ یا کسی که به طور قابل ملاحظه‌ای بزرگ‌تر از کودک باشد، قبل از رسیدن او به سن قانونی‌ای که بتواند برای شرکت در یک عمل جنسی رضایتمندانه تصمیم بگیرد، تعریف شود (۴). در تعریف خشونت جنسی ملحوظ‌نمودن سه عنصر محرز است:

- ۱- عنصر «رفتار» شامل هر نوع رفتار، از سوی هر کسی اعم از خویشاوند و بیگانه؛
- ۲- «آسیب» شامل هر نوع آسیب اعم از جسمی، روحی، روانی و جنسی؛
- ۳- عنصر «جنسیت» نیز قید تفکیک اصلی در این تعریف است و منظور آن است که «به» صرف مؤنث بودن «اقدامات آسیب‌زا بر فردی اعمال شود.

به هر ترتیب، خشونت جنسی نسبت به کودک، چه به صورت مداوم باشد یا فقط یک بار صورت گرفته شود و خواه توسط افراد خانواده، نزدیکان و یا افراد بیگانه انجام شده باشد، معمولاً دارای شاخصه و ویژگی‌های زیر است:

- ۱- ارضای جنسی فرد آزاردهنده هدف اصلی آزار است؛
 - ۲- در این رابطه یک تفاوت سنی و قدرتی وجود دارد که به طور مؤثری، رضایت معنادار از رابطه را از بین می‌برد؛
 - ۳- فعالیت جنسی معمولاً به صورت پنهان و همراه با نقشه و توطئه قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند است؛
 - ۴- گاهی اوقات کودک به جهت نیاز شدید به حمایت فیزیکی یا عاطفی و توجه و وابستگی، خود شخصاً به پذیرش و شروع این رابطه تمایل نشان می‌دهد.
- هنگامی که یکی از اعضای خانواده بلافاصل (مثل پدر، برادر) مرتکب خشونت جنسی نسبت به کودک می‌شود، معمولاً از واژه زنا با محارم استفاده می‌شود. کودک‌آزاری‌های جنسی برون‌خانوادگی توسط افرادی مثل همسایه‌ها، سایر کودکان و نوجوانان بزرگ‌تر، معلمین و مانند آن‌ها رخ می‌دهد، اما اکثر تحقیقات (در آمریکا) بیانگر آن هستند که افراد غریبه در کم‌تر از ۱۰٪ موارد مرتکب خشونت جنسی می‌شوند (۲).

کودکان هر دو جنس می‌توانند قربانی خشونت جنسی شوند، اما این مسأله عمدتاً در مورد دخترها بیش از پسران می‌باشد، مطالعات احتمال قربانی شدن دختران را ۵/۲ بیشتر از پسران می‌دانند. پسران احتمالاً بیشتر توسط افراد بیگانه مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند و دختران بیشتر قربانیان زنا با محارم هستند، در تحقیقات مختلف بیشینه و کمینه قربانیان برای زنان از ۲٪ تا ۶۲٪ و برای مردان از ۳٪ تا ۱۶٪ برآورد شده است. بعضی از محققان در تبیین این‌که چرا دختران بیشتر از پسران قربانی خشونت جنسی می‌شوند، به بافت ساختار اجتماعی و عوامل فرهنگی اشاره می‌کنند، برای مثال آنان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد خشونت جنسی (مثلاً در بعضی از گروه‌های قومی و قبیله‌ای آفریقا) را فرهنگ پدرسالاری غالب بر آن جامعه که بر اساس سلسله مراتب سنی آشکار می‌باشد، می‌دانند به شکلی که پایگاه بالای مرد با احترام خاصی که به ویژه از طرف کودکان دختر دریافت می‌کند، منجر به این می‌شود که کودک برای رد کردن فعالیت‌های جنسی پیش‌رس ناتوان باشد و همچنین ممکن است فرد

آزارگر تجاوز را یک عمل تنبیهی بداند که برای اثبات قدرت و کنترل کودکان صورت می‌پذیرد (۵).

تعیین درجه شیوع خشونت جنسی بسیار مشکل است؛ بدین علت که بسیاری از کودکان برای زمان‌های مدیدی و حتی تا بزرگسالی و یا برای همیشه، از تجربه دردناکشان چیزی به کسی نمی‌گویند. بنابراین مسأله خشونت جنسی نسبت به کودک، بیشتر اوقات به صورت رازی پنهان میان کودک و سوء استفاده‌کننده باقی می‌ماند. به همین دلیل آمار گزارش‌های رسیده در زمینه سوء استفاده جنسی از کودک بسیار کم‌تر از میزان شیوع این پدیده در هر جامعه‌ای است (۶). برای نمونه، آماري که کتابخانه انجمن پزشکی آمریکا ارائه کرده است، حاکی از مرگ سالانه ۵۰۰ کودک در این کشور بر اثر تجاوزات جنسی است. این آمار در مورد جراحات ناشی از تجاوز جنسی ۱۴۰ هزار مورد بوده است، به علاوه، آمار کل مربوط به تجاوز جنسی در سال ۲ میلیون مورد برآورد شده است و از هر ۳ یا ۴ دختر و همچنین از هر ۷ یا ۸ پسر قبل از ۱۸ سالگی، یک نفر مورد تهاجم جنسی قرار می‌گیرد (۷). این آمارها حاکی از گستردگی این پدیده است که باید نسبت به آن واکنشی سریع و مناسب داشت.

در ایران آمار رسمی در خصوص میزان شیوع اعمال خشونت نسبت به کودکان، وجود ندارد و مشخص نیست که چند درصد از موارد کودک آزاری توسط والدین و بزرگسالانی صورت می‌گیرد که خود قبلاً در کودکی مورد آزار قرار گرفته‌اند، اما به طور طبیعی انتظار می‌رود که نسبت مشابه با سایر کشورها در کشور ما نیز وجود داشته باشد، چراکه بر اساس آمار و ارقام در کشور ایران زمینه‌های بروز اعمال خشونت جنسی نسبت به کودکان تا حد زیادی وجود دارد، نرخ بالای اعتیاد، گسترش حاشیه‌نشینی، افزایش نرخ طلاق و مشکلات اقتصادی و فرهنگی برخی از مواردی هستند که در تحقیقات انجام‌شده رابطه آن‌ها با کودک‌آزاری به اثبات رسیده است، البته آمار مشخص و قابل استنادی در خصوص کودک‌آزاری وجود ندارد و تنها آمار ارائه‌شده در این خصوص آمار بهزیستی است (۸).

اقدامات نهادهای بین‌المللی در راستای حفظ حقوق بشری کودک

یکی از مهم‌ترین اهداف نظام بین‌المللی حقوق بشر، ارائه معیارهای جهانی و عام‌الشمول برای کشورها است. پیش‌بینی هنجارهای جهانی در این نظام و انتقال آن‌ها به نظام‌های حقوق

داخلی در موضوعات مختلف در همسویی حقوق کشورهای مختلف در مواجهه با مسائل مختلف بسیار مؤثر بوده است (۹). در واقع «هماهنگ‌سازی حقوق» کشورهای مختلف در پرتو معیارهای حقوق بشر موضوعی است که به ایجاد حقوق جهانی کمک شایانی نموده است.

بر اساس این جهان‌شمولی، جرم علیه بشریت، جرمی بین‌المللی است که ارتکابش دامن کل بشریت را می‌گیرد و بر این اساس از جرم داخلی متمایز می‌شود. تلاش فزاینده برای ممنوعیت اشکال مختلف خشونت‌های جنسی در معاهدات بین‌المللی، اسناد سازمان ملل متحد و بیانیه‌های دبیر کل و به خصوص ماهیت الزام‌آور کنوانسیون‌های بین‌المللی که به جرم‌انگاری جرائم جنسی پرداخته‌اند، گواه بر رویه متحد کشورها در تلقی ممنوعیت تجاوز به عنف به عنوان قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل است، ضمن آنکه در حقوق داخلی همه کشورها تجاوز به عنف ممنوع شده است. این ممنوعیت را می‌توان در زمره اصول کلی حقوق ملاحظه نمود. همچنین تعهد دولت‌ها برای پوشش اجتماعی و اقتصادی همگان، صیانت از حقوق بشر افرادی که خواسته یا ناخواسته تحت خشونت جنسی قرار می‌گیرند، از جمله تکالیف بین‌المللی دولت‌هاست.

در معاهدات حقوق بشردوستانه، کودکان به علت آسیب‌پذیر بودن از حمایت ویژه‌ای برخوردارند. حمایت عام، یعنی افراد بدون توجه به خصوصیات فردی، شغلی، جنسی و نژادی از کلیه فعالیت‌های بشردوستانه برخوردارند. نظام حقوقی در سطح بین‌الملل تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی فراملی و نهادهای حمایتی کودکان سازمان ملل متحد، به ویژه صندوق کودکان سازمان ملل متحد، بیانگر تضمینات حمایتی ویژه‌ای برای کودکان قربانی خشونت جنسی است، اسناد عام منشور بین‌المللی و اسناد خاصی همچون کنوانسیون حقوق کودک، حمایت از کودکان قربانی خشونت و جرائم جنسی را مورد توجه قرار داده است. چنانچه پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک به مباحثی همچون تضمینات و حمایت‌های قانونی از کودکان در جرائم جنسی همچون فحشا و هرزه‌نگاری کودکان اختصاص یافته است.

به نظر می‌رسد که پیش‌بینی و تعبیه معیارهای جهانی در زمینه حمایت کیفری از کودکان بزه‌دیده جرائم جنسی، در نظام بین‌الملل حقوق بشر و انتقال و جذب این معیارها در نظام‌های کیفری ملی، جهانی شدن حقوق کیفری ناظر به حمایت از کودکان را نوید می‌دهد، ضمن آنکه از یکسو اگر زمانی این امر در پرتو منشور بین‌المللی حقوق بشر و سایر اسناد منطقه‌ای حقوق

بشر به عنوان یک ساز و کار ویژه به صورت کلی و عام پیش‌بینی شده بود با تصویب کنوانسیون حقوق کودک و به ویژه پروتکل الحاقی پیش‌گفته آن، بر موضوعات خاص و شیوع بزه‌دیدگی کودکان در سطح جهان، تأکید شده و از سوی دیگر مطالعات حقوق کیفری تطبیقی به نوبه خود نه تنها نحوه انتقال این معیارهای جهانی و میزان انحراف و تغییرات صورت‌گرفته در فرایند جذب آن‌ها را در حقوق داخلی کشورها نشان می‌دهد، بلکه هم‌زمان فراگیری پذیرش اصول و قواعد مشترک در پاسخ‌دهی کیفری به یک معضل جهانی حاکی از حرکت به سمت همسویی و هماهنگی حقوق کیفری کشورهای مختلف را نیز آشکار می‌سازد (۱۰).

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م.)

این اعلامیه به رغم این که در اسناد حقوق بشر غیر الزام‌آور طبقه‌بندی می‌شود، از آنجا که امروزه هنجارهای آن بیشتر به عرف بین‌المللی و حتی قواعد آمر، حقوق بین‌المللی تبدیل شده است، به عنوان هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود (۱۱).

این اعلامیه با به رسمیت‌شناختن دو اصل بنیادین که در حوزه حقوق کیفری بسیار تأثیر گذارند، به حمایت از کودکان پرداخته است، ضمن آنکه از یکسو با توجه به پذیرش اصل عدم تبعیض بر اساس سن ولادت در برخورداری از حقوق مطابق با ماده ۲ اعلامیه، کودکان نیز از تمام حقوق انسانی مطرح در این اعلامیه برخوردارند و بالطبع اعمال خشونت جنسی نسبت به کودک مغایر با شأن و کرامت ذاتی وی خواهد بود و از سوی دیگر، در بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه بر «حق بهره‌مندی کودکان از کمک و مراقبت ویژه» تأکید شده است. امروزه، یکی از ساز و کارهای کمک و مراقبت ویژه از کودکان در حوزه کیفری، در قالب جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان جلوه‌گر شده است، به همین جهت، اعلامیه به صورت غیر مستقیم بر حمایت از کودکان تأکید داشته است (۱۲).

۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م.)

ماده ۲۴ این سند الزام‌آور بین‌المللی تأکید کرده است که «هر کودک بدون هیچ گونه تبعیض حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع کنونی‌اش از طرف خانواده، حکومت و جامعه او باید به عمل آید، برخوردار گردد، این ماده که به وضعیت خاص و آسیب‌پذیر کودک در برخورداری از حقوق و حمایت، از جمله حمایت کیفری اشاره دارد، مبنای الزام‌آور مناسبی را به منظور حمایت ویژه از کودکان در برابر بزه‌دیدگی فراهم می‌سازد.»

۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م.)

این میثاق به نحو صریح‌تری اصولی در خصوص حمایت کیفری از اطفال در برابر برخی رفتارهای آسیب‌زا پیش‌بینی نموده است (۱۰)، بر اساس بند ۳ ماده ۱۰: «کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیر ممیز و ممیز بدون هیچ گونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ شود. اطفال ممیز و غیر ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند.»

به موجب این بند در کنار تأکید بر حمایت ویژه و خاص از اطفال، بر حمایت از آن‌ها در برابر بهره‌کشی اقتصادی و اجتماعی نیز تأکید شده است. با این وصف درگیر نمودن کودکان به فحش‌های جنسی (تهیه تصاویر پورنوگرافی و یا توریسم جنسی)، مصداق بارز این بهره‌کشی اقتصادی است. در ادامه این بند صریحاً بر لزوم جرم‌انگاری خاص برخی رفتارها تأکید می‌کند «واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آن‌ها زیان‌آور است یا زندگی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.»

۴- اسناد خاص حقوق بشر، به دنبال جهانی‌کردن حمایت کیفری از کودکان در برابر مصادیق بزه‌دیدگی

معاهدات خاص حقوق بشری، گروه‌های ویژه‌ای را تحت حمایت قرار می‌دهند. این اسناد در گروه‌های متنوعی قابل طبقه‌بندی هستند. زنان، پناهندگان، کودکان، مردمان بومی، اقلیت‌ها و معلولین از جمله گروه‌های خاصی هستند که موضوع این اسناد حقوق بشری قرار می‌گیرند (۱۱).

توجه به حقوق کودک و این اندیشه که کودکان باید از حقوق خاص و متناسب با شرایط خود برخوردار گردند، به دوران بعد از جنگ جهانی برمی‌گردد. این طرز تفکر از آنجا ناشی گردید که طی سالیان متمادی، کودکان قربانی سیاست‌های اقتصادی غلط، خطاهای سیاسی و جنگ می‌شدند (۱۳). اسناد خاص حقوق بشر در کنار توجه به پیش‌بینی ساز و کارهای حمایت کیفری از اطفال در برابر بزه‌دیدگی به صورت کلی و پذیرش مفهوم حمایت کیفری ویژه کودک به مصادیق بزه‌دیدگی نیز پرداخته‌اند و ساز و کارهای حمایتی را به نحو دقیق‌تری پیش‌بینی کرده‌اند.

۵- کنوانسیون حقوق کودک (۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ م.)

این کنوانسیون که تاکنون به تصویب تمامی کشورهای جهان به استثنای دولت‌های ایالت متحده آمریکا و سومالی رسیده توانسته است، به عنوان یک سند الزام‌آور بین‌المللی ضمن حمایت همه‌جانبه و گسترده از کودکان تا حدودی در تحکیم و شفافیت نقش و وظیفه دولت‌ها گامی به جلو برداشته و راه‌کارهایی را در تأمین حقوق همه‌جانبه کودکان مشخص نماید.

ماده ۱۹ کنوانسیون کشورها را به اقدامات قانونی جهت حمایت از کودکان در برابر اشکال مختلف سوء استفاده، بدرفتاری یا بهره‌کشی از جمله سوء استفاده جنسی ملزم نموده است. بر اساس بند ۳ این ماده اقدامات حمایتی قانونی شامل شناسایی، گزارش، ارجاع، تحقیق و پیگیری موارد سوء رفتار با کودکان و پشتیبانی از پیگرد قضایی می‌شود.

بدیهی است که یکی از راه‌کارهای اجرای این تعهد و اقدامات قانونی تقویت جایگاه اطفال بزه‌دیده در حقوق کیفری از طریق جرم‌انگاری این رفتارهاست. ماده ۳۴ کنوانسیون ضمن متعهد نمودن کشورها به حمایت از کودکان در برابر اشکال بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، آن‌ها را به در پی گرفتن اقدامات مقتضی ملی به منظور پیشگیری از: ۱- اغوا یا وادار کردن کودک به هر گونه فعالیت جنسی غیر قانونی؛ ۲- استفاده استثماری از کودک در فحشا یا دیگر اعمال جنسی غیر قانونی؛ ۳- استفاده استثماری از کودک در نمایش‌ها یا مطالب هرزه‌نگارانه ملزم ساخته است (۱۱).

۶- بند دوم کنوانسیون راجع به محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن (۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ م.)

بر اساس ماده ۳ این کنوانسیون، استفاده و فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید هرزه‌نگاری یا اجرای هرزه‌نگارانه (بند «ب»)، فروش و قاچاق کودکان (بند «الف»)، جزء بدترین اشکال کار کودکان دانسته شده است. لازم به ذکر است که این کنوانسیون به همراه توصیه‌نامه مکمل آن در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۳ به تصویب شورای نگهبان رسید.

بر اساس ماده ۷ کنوانسیون مزبور یکی از اقدامات لازم به منظور تضمین اجرای مؤثر آن پیش‌بینی و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری توسط دولت‌هاست. علاوه بر جرم‌انگاری اعمال مذکور که حاکی از سیاست هماهنگ‌سازی قوانین کیفری کشورها در مبارزه با این گونه اعمال است،

به دلیل ماهیت خاص و نحوه ارتکاب آن‌ها، به ویژه عرضه کودکان برای فحشا، در قسمت «ت» بند ۱۵ این توصیه‌نامه آمده است که: «دولت‌ها موظف شده‌اند اگر این جرائم توسط اتباع آن‌ها در کشور دیگری ارتکاب یافته باشد، در داخل کشور متبوع خود آن‌ها را قابل تعقیب اعلام کند.» در واقع، این کنوانسیون در کنار توجه به ضرورت جرم‌انگاری برخی رفتارها که تعدادی از آن‌ها مانند استفاده از کودکان برای روسپیگری توسط توریست‌های جنسی ارتکاب می‌یابند و برخی دیگر مانند فراهم کردن زمینه روسپیگری کودکان و تولید هرزه‌نگاری کودکان، توسط عرضه‌کنندگان ارتکاب می‌یابند، به دلیل ماهیت فراسرزمینی اعمال ارتكابی به پیش‌بینی ساز و کاری برای تعقیب و مجازات مرتکبین در خارج از کشورهای عضو اشاره نموده است.

۷- پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۲۰۰۰ م.

توجه نظام بین‌الملل به پورونوگرافی یا هرزه‌نگاری کودکان به عنوان یکی از اقسام خشونت جنسی، در کنوانسیون حقوق کودک ذیل تعریف این جرم، قابل توجه است. این پروتکل اختیاری ضمن ارائه تعریف هرزه‌نگاری کودکان، از کشورهای عضو خواسته است، به منظور مبارزه با استثمار جنسی کودکان، فروش فحشا و هرزه‌نگاری کودکان را ممنوع اعلام نماید و عاملان این جرم را به مجازات‌هایی متناسب با ماهیت عمل صورت‌گرفته، محکوم نمایند.

مصادیق خشونت جنسی ناقض حقوق بشری کودک

در حال حاضر دسته‌های مختلفی از خشونت جنسی و غالباً مبتنی بر جنسیت در حقوق بین‌المللی کیفری وجود دارد که بر اساس آن‌ها رفتار مجرمانه متهمان قابل تعقیب است. بی‌شک زمانی که این جرائم علیه کودکان ارتکاب یابد، سیاست جنایی ایجاب می‌کند که از کودکان قربانی و بزه‌دیده این جرائم حمایت لازم صورت پذیرد.

۱- تجاوز به عنف

یکی از بارزترین مصادیق خشونت جنسی است که یک عمل مطلقاً جنسی نیست، بلکه رفتار خشونت‌آمیزی است که در آن از اعمال و رفتارهای جنسی به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود. در واقع تجاوز به عنف، نوعی از تهاجم جنسی است که در آن یک شیء یا عضوی از بدن، وارد آلت تناسلی، مقعد یا دهان قربانی می‌گردد (۱۴). به بیان دیگر اگر در ارتکاب جرم جنسی مرتکب از اعمال فشار روانی برای جلب رضایت بزه‌دیده به برقراری رابطه جنسی

استفاده کرده باشد، عمل او در زمره تهاجم جنسی است، ولی اگر برای واداشتن بزه‌دیده به انجام عمل جنسی، فشار فیزیکی مثل کتک‌زدن یا استفاده از اسلحه و تهدید را برای بی‌دفاع کردن وی دستاویز قرار داده باشد، عمل او تجاوز جنسی است، هرچند در عمل به هر دوی این جرائم تحت عنوان کلی جرم جنسی یا سوء استفاده جنسی نگریسته می‌شود و قربانیان آن به یک اندازه زخم می‌خورند.

با توجه به این که این جرم از جمله جرائم طبیعی است و با توجه به دخیل بودن شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در آن، متأسفانه شاهد رشد و گسترش این ناهنجاری در بیشتر جوامع هستیم. در عین این که این جرم آمار قابل توجهی را به خود اختصاص داده است، اما چندان قابل اعتماد نیست، چراکه بسیاری از بزه‌دیدگان بنا به دلایلی همچون: ۱- وجود سابقه آشنایی با بزه‌کار؛ ۲- ترس از ملامت عمومی و وقوع بزه‌دیدگی ثانویه در جریان دادرسی به معنای ثانویه؛ ۳- عدم تلقی و تفسیر رفتار مرتکب به عنوان تجاوز از سوی بزه‌دیده به ویژه در مواردی که میان بزه‌کار و بزه‌دیده سابقه آشنایی وجود دارد، هرچند که بنا بر ضوابط قانونی تجاوز محسوب می‌شود، مایل به بیان وقع این جرم و نحوه بزه‌دیدگی خویش نیستند. در این بین کودکان به واسطه آسیب‌پذیربودنشان، آمار قابل توجهی از این قربانیان را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال بر اساس داده‌های موجود، از ابتدای سال ۲۰۱۶ تا پایان آن بیش از ۲۰۲ هزار و ۶۶۶ تعرض جنسی در انگلیس رخ داده است. به عبارت دیگر در هر هفته حدود ۴ هزار نفر مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند که ۴۲٪ از قربانیان کودک و نوجوان بوده‌اند. به گزارش «NSPCC» در بین دختران و پسران با محدوده سنی بین ۱۳ تا ۱۸ سال در انگلیس و ولز، یک‌سوم دختران و ۱۶٪ پسران مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند و همچنین ۲۵۰ هزار دختر نوجوان حداقل یک بار مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته است (۱۵). راج ناته سنگ وزیر کشور هند در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد: تعداد پرونده‌های تجاوز جنسی که به صورت رسمی ثبت شده‌اند، از مرز ۱۰۰ هزار پرونده گذشته است. در این سال ۳۶ هزار مورد تجاوز جنسی به کودکان کم سن و سال نیز در کشور هند ثبت شد (۱۶). همچنین طبق آمار یک سازمان مدنی آمریکایی در آمریکا در هر ۹۸ ثانیه یک تجاوز به عنف صورت می‌گیرد و در هر ۸ دقیقه یک کودک قربانی تجاوز می‌شود (۱۷).

در ایران نیز اگرچه طی سال‌های اخیر به ویژه پس از انتشار خبر مدرسه پسرانه معین، ربه‌شده شدن، تجاوز و قتل آتنا، مرگ اهورای دوساله و نیمه، بر اثر تجاوز و ورود ضربه مغزی توسط ناپدرای ش... توجه جامعه به ویژه صاحب‌نظران حوزه اجتماعی به این موضوع جلب شده است، اما متأسفانه آمار رسمی در خصوص میزان شیوع تجاوز عنف به کودکان، وجود ندارد، البته به طور طبیعی انتظار می‌رود که نسبت مشابه با سایر کشورها در کشور ما نیز وجود داشته باشد، چراکه بر اساس آمار و ارقام در کشور ایران زمینه‌های بروز اعمال این جرم جنسی نسبت به کودکان تا حد زیادی وجود دارد، نرخ بالای اعتیاد، گسترش حاشیه‌نشینی، افزایش نرخ طلاق و مشکلات اقتصادی و فرهنگی برخی از مواردی هستند که در تحقیقات انجام‌شده رابطه آن‌ها با تجاوز به کودکان، به اثبات رسیده است.

پیش از جنگ جهانی دوم، جرم تجاوز به عنف در فرض عام آن به عنوان یک جنایت جنگی در اسناد متعددی درج شده بود، اما این جرم اولین بار در ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای کنترل متفقین به عنوان جرمی از جرائم علیه بشریت شناخته شد (۱۸)، اما در خصوص توجه جامعه بین‌المللی در این موضوع نسبت به کودکان، می‌توان به اسناد عام و خاص حقوق بشری، همچون بند ۳ از ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ و ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ اشاره داشت. به هر حال تلاش مضاعف برای ممنوعیت اشکال مختلف خشونت جنسی در معاهدات بین‌المللی و ماهیت الزام‌آور کنوانسیون‌های بین‌المللی، گواه بر رویه متحد کشورها در ممنوعیت جرم تجاوز به عنف به عنوان قاعده عرفی است.

در حقوق کیفری ایران جرم‌انگاری مستقلی زیر عنوان تجاوز به عنف انجام نشده و اعمال و رفتارهای جنسی و واکنش کیفری نسبت به آن به طور کامل مستنبط از فقه جزایی امامیه است (۱۹). مطالعه دقیق اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده جرم زناي تؤام با عنف و اکراه بیانگر آن است که رویکرد تقنینی به این جرم متناسب با تحولات این نوع بزه‌کاری در دوران جدید، تغییر و تحول نیافته است، چنانچه چتر حمایتی ساختار موجود نسبت به اطفال بزه‌دیده به ویژه دختران به واسطه سیطره جنسیت مذکر در انجام آن در موارد متعدد، ناکافی و دارای خلأهای مشهودی است.

جرم‌انگاری تجاوز به عنف نسبت به کودک تا سال ۱۳۷۰ مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته بود، اما در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شاهد ذکر مواردی به عنوان زنا به عنف هستیم. بر این اساس هر گاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد، در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است، همچنین است زنا از طریق اغفال و فریب دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن وی، اگرچه موجب تسلیم‌شدن او شود. در تمامی موارد مذکور عنصر رضایت مخدوش است و همه این موارد از مصادیق بارز تجاوز به عنف می‌باشد و ذکر آن‌ها تحت عنوان «در حکم زنا به عنف» جای سؤال دارد.

در ابتدای امر به نظر می‌رسد که قانون‌گذار با عنوان کردن زنا از طریق اغفال و فریب‌دادن دختر نابالغ در تبصره فوق قصد دارد که به نوعی برقراری رابطه جنسی با دختران نابالغ را در حکم تجاوز به عنف قرار دهد، اما با دقت در متن تبصره متوجه می‌شویم که قانونگذار چنین قصدی نداشته و بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۲۵ لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰، زمانی برقراری رابطه جنسی با دختر نابالغ که با توجه به ماده ۱۴۶ این قانون دختر نه ساله است، تجاوز به عنف محسوب می‌شود که کودک از روی فریب و اغفال به رابطه جنسی رضایت دهد. از مفهوم مخالف این تبصره چنین برمی‌آید که برقراری رابطه جنسی با دختران زیر نه سال اگر بر اساس فریب و اغفال نباشد، طبق این قانون تجاوز به عنف محسوب نمی‌شود. بی‌تردید زنا به عنف شدیدترین نوع خشونت جنسی شمرده می‌شود که طی آن زانی به عنف و اجبار و بدون رضایت بزه‌دیده به او تجاوز می‌کند. بر اساس فقه جزایی اسلام، مجازات زانی به عنف، اعدام است که این حکم مورد اتفاق همه فقها می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی سابق، سه نوع مجازات شامل اعدام، رجم و شلاق برای انواع زنا مشخص شده بود. از جمله در ماده ۸۳ مواردی که در آن حد زنا رجم است، ذکر شده و مواد ۹۸ تا ۱۰۷، کیفیت اجرای رجم را بیان نموده است.

۲- ازدواج اجباری کودکان

ازدواج‌های اجباری از جمله جرائم ناشی از خشونت‌های جنسی هستند و تبیین مفهوم آن از جمله مباحث مهمی است که در «حق آزادی ازدواج» مطرح است، چنانچه در عرصه بین‌المللی و داخلی تلاش‌هایی برای تحدید این مفهوم صورت گرفته است. بر اساس قطع‌نامه ۱۴۶۸ شورای اروپا (۲۰۰۵ م.)، ازدواج اجباری شامل کلیه ازدواج‌هایی است که حداقل یکی از

طرفین فاقد رضایت کامل و آزادانه باشد (۲۰). نخستین سندی که به طور خاص به موضوع رضایت در ازدواج پرداخته، کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت آن است که به موجب قطعنامه شماره ۱۷۶۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ به تصویب رسیده است. این کنوانسیون پس از یادآوری ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر، در ماده یک خود چنین آورده است: «هر ازدواجی که بدون رضایت کامل و آزادانه هر یک از طرفین صورت گیرد، معتبر نبوده و باید غیر قانونی محسوب شود. این رضایت باید کاملاً به شکل علنی و آشکار و در حضور مقام صلاحیتداری که قانون تعیین کرده است، اعلام شود و از جانب این مقام مورد تصدیق و گواهی قرار گیرد.» با این وصف عنصر «رضایت بر مبنای اراده و آگاهی» یکی از شاخصه‌های اصلی در تفکیک ازدواج اجباری از غیر آن است. در خصوص ازدواج کودکان، این دیدگاه پذیرفته شده که حتی چنانچه طفل در ظاهر راضی به ازدواج باشد، رضایت وی خدشه‌دار بوده و قابل اعتنا نیست (۲۱). در واقع در برخی موارد، هرچند فرد در ظاهر راضی به ازدواج است، اما غالباً این رضایت با استفاده از خشونت جسمی، روحی و یا اقدامات فریبکارانه حاصل شده که این امر در خصوص کودکان بیشتر مشاهده می‌شود. در این موارد چون طفل به درجه‌ای از رشد نرسیده که بتواند ماهیت ازدواج را درک و شریک زندگی را بر اساس تعقل انتخاب کند، بی‌شک عنصر «رضایت» خدشه‌دار است.

شاخصه دیگر تحدید مفهوم کودکی است، در نظام‌های حقوقی گوناگون، کودک با معیارهای متفاوتی تعریف شده است. در بیشتر نظام‌های حقوقی جدید، تعریف کودک ناظر بر سن انسان است که در برخی از کشورها این سن با توجه به قوانین خاص آن کشور متغیر است. بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. صندوق جمعیت سازمان ملل بر اساس تعریف کنوانسیون حقوق کودک ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از این که دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسؤولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند. سازمان بهداشت جهانی کودکی را تا ۱۵ سالگی تعریف کرده است. بر همین مبنا در مواردی که کودک در زیر این سن قرار دارد، ازدواج زود هنگام رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن به حداقل سن قانونی برای ازدواج توجهی نشده است (۲۲).

در نظام حقوقی نیز حداقل سن پیش‌بینی شده برای ازدواج در قیاس با برخی کشورها، کم است و بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، حتی ازدواج دختران کم‌تر از ۱۳ سال و پسران کم‌تر از ۱۵ سال نیز با اذن ولی و رعایت شرایط مصلحت با تشخیص دادگاه مجاز است. شاید بتوان این نقیصه را ناشی از عدم وجود تعریف قانونی جامع و مانعی از کودک دانست، چنانچه در بعضی از موارد پایان کودکی رسیدن به سن بلوغ در نظر گرفته شده که شاخصه آن ویژگی‌های جسمانی است و در پاره‌ای از مواد قانونی دیگر پایان دوره کودکی رسیدن به سن رشد است که شاخصه آن داشتن قدرت عقل است (۲۳). این در حالی است که دولت ایران با قبول و تصویب کنوانسیون تکمیلی «لغو بردگی، تجارت برده‌ها، نهادها و اعمال مشابه برده‌داری» ۱۹۶۵ که در آن بر ممنوعیت هر نوع نهاد یا اقدامی تأکیدی می‌شود که به واسطه آن کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال، به واسطه والدین و یا یکی از آن‌ها و یا قیم خود، چه در برابر پاداش یا بدون پاداش و به منظور بهره‌کشی یا کار مجبور به ازدواج می‌شود، پذیرفته است که: ۱- کنوانسیون را به عنوان بخشی از قوانین داخلی خود به رسمیت بشناسد و عمل به مندرجات آن را الزامی کند؛ ۲- قوانین جاری خود را مطابق این پیمان اصلاح نماید؛ ۳- حداقل سن مناسب برای ازدواج را تعیین نماید (۲۴).

۳- قاچاق کودکان به منظور بهره‌کشی جنسی

جا به جایی کودکان از کشوری به کشور دیگر به منظور استفاده از آنان در فعالیت‌های بزه‌کارانه جنسی، نگهداری آنان در مراکز فحشا، جهت استفاده از آنان به عنوان برده جنسی، جنایت و نقض حقوق مدنی به حساب می‌آید، زیرا بدون شک تجارت غیر قانونی کودکان به منظور برده‌گی جنسی و روسپیگری اجباری برای مقاصد جنسی، یکی از معضلات جدی در دنیای مدرن است. اطلاق واژه «برده‌گی جنسی» نشأت گرفته از آن است که از منظر کارشناسان عنصر ذاتی و اصلی برده‌گی و برده‌داری که عبارت است از «تلقی انسان به مثابه شیء و مورد معامله قرارگرفتن» همچنان وجود دارد، چراکه به نظر حقوقدانان بین‌المللی اکثر کودکان قاچاق شده در زمینه فساد و فحشا مورد استفاده قرار می‌گیرند و از آن‌ها به عنوان ابزار جنسی استفاده می‌شود.

آمار قابل استنادی در این خصوص موجود نیست، اما تعداد کودکانی که در جهان قاچاق می‌شوند بر اساس گزارش سالانه صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل یونیسف، سالانه

حداقل یک میلیون دویست هزار نفر برآورده شده است (۲۵) که به دست گروه‌های قاچاق ربوده و قاچاق می‌شوند. جامعه جهانی به این مهم در دسامبر ۲۰۰۰ در قالب کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) پاسخ داد. طرح کنوانسیون در دسامبر ۲۰۰۰ پالرموی ایتالیا برای امضای دولت‌ها ایجاد شد، در این کنوانسیون تجارت انسان (کودک و بزرگسال) و نیروی کار و تجارت زنان و کودکان به قصد فحشا در شمار جرائم سازمان‌یافته قرار گرفته است، به علاوه سه پروتکل الحاقی که تصویب آن‌ها برای متعهدین کنوانسیون اختیاری است، هر یک جرائم را تعریف کرده‌اند. این سه پروتکل عبارتند از: ۱- پروتکل پیشگیری، مجازت و سرکوب قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان؛ ۲- پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق زمینی، دریایی و هوایی؛ ۳- پروتکل علیه تولید و قاچاق غیر قانونی سلاح‌های گرم و اجزای آن‌ها.

جمهوری اسلامی ایران در تدوین کنوانسیون پالرمو نقش و مشارکت فعال داشته و به عنوان یکی از کشورهای حاضر در زمان تدوین، آن را امضا نموده است، اما تا به امروز هیچ اقدامی در جهت پیوستن به این کنوانسیون صورت نگرفته است و ایران هیچ کدام از پروتکل‌های الحاقی را امضا نکرده است (۲۶)، البته قانونگذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز و یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور به اجبار، اکراه، تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود و یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده با هدف فحشا، برداشتن اعضا و جراح، بردگی و ازدواج تعریف کرده است (۲۷).

۴- توریسم و گردشگری جنسی

توریسم جنسی کودکان به معنی مسافرت گروهی از افراد انسانی به کشوری دیگر جهت انجام اعمال جنسی و فحشا با کودکان به هر دلیل، از جمله بیماری‌های روانی، لذت‌جویی، منع قانونی این موضوع در کشور خود یا بهره‌کشی جنسی از اطفال به منظور دستیابی به منابع مالی و... است. بنابراین می‌توان گفت گردشگری جنسی اطفال بدین معناست که گروهی از افراد از کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای بزرگ صنعتی از جمله آمریکا، کشورهای اروپای غربی و شمالی، استرالیا و... انجام مسافرت‌هایی اختصاصی، به منظور تماس جنسی و مقاربت با اطفال و نوجوانان، به کشورهای در حال توسعه یا عقب‌مانده که امکان انجام چنین اعمالی را فراهم کرده‌اند، سفر کرده تا به این وسیله به امیال شوم و شهوانی خود جامه عمل بپوشانند (۲۸). در

واقع توریسم جنسی جریانی است خلاف قاچاق انسان، چراکه در قاچاق انسان، فرد را به منظور سوء استفاده و بهره‌کشی از کشور خودش به کشور دیگر منتقل می‌کنند، در حالی که در توریسم جنسی شخص مشتری، خودش به کشور مورد نظر می‌آید. بنابراین در یکسوی معادله در مقام عرضه، کودکان روسپی و افراد تسهیل‌کننده بهره‌کشی از آنان مانند، دلالان و مؤسسه‌های توریسم جنسی و صاحبان روسپی‌خانه‌ها قرار دارند و در سوی دیگر معادله، یعنی در جایگاه تقاضا، جهانگردان.

به واسطه گسترش این صنعت شرم‌آور، مجمع عمومی سازمان توریسم جهانی مجموعه رفتارنامه‌های اخلاقی برای گردشگری را در اکتبر ۱۹۹۹ به تصویب رسانید. این رفتارنامه‌های اخلاقی چارچوبی را برای توسعه پایدار توریسم جهانی تعیین کرد که مشتمل بر ۹ ماده در ارتباط با اهداف دولت‌ها، برگزارکنندگان تور، آژانس‌ها و خود مسافریین تنظیم شده است. بند ۳ ماده ۲ این رفتارنامه بیان می‌دارد: «بهره‌کشی از انسان به هر شکلی، به خصوص جنسی و دقیقاً زمانی که نسبت به کودکان اعمال می‌شود، در تعارض اساسی با اهداف توریسم و نفی آن است و باید این پدیده مطابق حقوق بین‌المللی با تمام قوا و همکاری تمام کشورها، اعم از کشور مورد بازدید و کشوری که مرتکب از آنجا آمده، مورد مجازات قرار گیرد. این رفتارنامه اخلاقی اولین متنی است که برای حل این مشکل راه‌کار ارائه می‌دهد که بر مبنای میانجی‌گری از طریق ایجاد کمیته جهانی اخلاقیات توریسم متشکل از نمایندگان هر منطقه از جهان و نمایندگان هر گروه از سهامداران بخش توریسم، یعنی دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های کار و غیر دولتی خواهد بود (۲۹).

برنامه اقدام کمیسیون حقوق بشر، در عصر خود، برای پیشگیری از خرید و فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان نیز اعلام می‌داشت که قانونگذاری و سایر برنامه‌ها باید در راه مبارزه با توریسم جنسی و ممانعت از آن، هم در کشوری که مشتریان از آن می‌آیند و هم در کشوری که پذیرای آن‌هاست، اجرا گردد. همچنین بازار گردشگری جنسی از طریق اغفال کودکان باید مجازات شود. این موضوع به خصوص در زمینه توریسم جنسی بسیار بااهمیت تلقی شده، چنانکه در برنامه اقدام استکهلم توصیه‌شده بخش بازرگانی از قبیل صنعت توریسم را باید علیه بهره‌کشی جنسی از کودک بسیج کرد. همچنین ماده اول پروتکل اختیاری حقوق کودک در مورد فروش کودکان و روسپیگری مصوب ۲۵ مه ۲۰۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل

متحد در نتیجه احساس خطر روزافزون این موضوع، دولت‌های عضو را مکلف به ممنوع‌سازی گردشگری جنسی نموده و در ماده ۲ این پروتکل به منظور تعریف گردشگری جنسی کودکان از راه فروش و روسپیگری اعلام داشته است: که ۱- فروش کودک به معنی هر عمل و معامله‌ای است که به موجب آن، کودکی به وسیله فرد یا افرادی در مقابل سود یا هر مورد دیگر به دیگران منتقل شود؛ ۲- روسپیگری کودک به معنی به کار بردن یک کودک در فعالیت‌های جنسی در مقابل سود با دیگر اشکل مورد نظر است.

در نظام حقوقی ایران این عمل به صورت خاص جرم‌انگاری نشده و عمل توریست‌های جنسی در قالب جرائم جنسی همچون لواط، زنا و مساحقه قابل پیگیری خواهد بود. به نظر می‌رسد بر اساس عمل به تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه مواد ۳ و ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، قانونگذار ایرانی نه تنها باید به جرم‌انگاری ویژه رفتارهای مربوط به توریست جنسی کودکان مبادرت نماید، بلکه در صورت تصویب لایحه مجازات اسلامی و وضع شرایطی خاص برای صلاحیت شخصی مراجع قضایی ایران، لازم است که استثنائاتی را نیز برای آن پیش‌بینی کند. افزون بر این «جرم‌انگاری توریسم جنسی کودک» نه تنها یک تعهد بین‌المللی حقوق بشری برای ایران محسوب می‌شود، بلکه به لحاظ ویژگی‌های آرمان‌گرایانه اخلاقی و اسلامی نظام جمهوری اسلامی نیز از اهمیت برخوردار است (۳۰).

۵- هرزه‌نگاری کودک با نمایش اندام جنسی

هرزه‌نگاری کودکان یکی از اشکال خشونت و استثمار جنسی و مسأله‌ای نگران‌کننده از منظر حقوق بشر است. این پدیده شوم امروزه به واسطه توسعه فضای ارتباطی و گسترش اینترنت شکل جدیدی به خود گرفته، دنیای مجازی با پنهان‌نگه‌داشتن هویت عاملان هرزه‌نگاری محیطی امن برای تهیه و پخش محتویات هرزه‌نگارانه و انتخاب کودکان قربانی ایجاد نموده و باعث افزایش دامنه فعالیت عاملان گردیده است.

اینترنت هرزه‌نگاری کودک را استثمار جنسی کودک با تمرکز بر نمایش اندام جنسی و یا فعالیت جنسی کودک تعریف کرده است (۳۱). کنوانسیون ۱۸۵ شورای اروپا (بوداپست ۲۰۰۱ م) در زمینه جرائم مجازی با ارائه تعریفی جامع‌تر، هرزه‌نگاری کودک را تصاویر و نمایش دیداری هرزه‌نگارانه تشریح‌کننده موارد ذیل می‌داند:

۱- کودک یا فردی که کودک قلمداد می‌شود در حال انجام عمل جنسی است؛

۲- تصاویر واقعی وانمود کند که در حال انجام عمل صریح و آشکار جنسی است.

مطابق با ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، کشورهای عضو متعهد هستند کلیه اقدامات ملی، دوجانبه و چندجانبه مقتضی را برای پیشگیری از استثمار کودکان در فحشا و سایر مقاصد جنسی به ویژه تهیه مطالب هرزه‌نگارانه و مستهجن اتخاذ نمایند. در ماده ۳۶ نیز به تعهد دولت‌های عضو برای محافظت از کودکان در برابر کلیه اشکال استثمار جنسی از جمله هرزه‌نگاری اشاره شده است. همچنین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ ضمن ارائه تعریفی از هرزه‌نگاری کودک، از کشورهای عضو خواسته است به منظور مبارزه با استثمار جنسی کودکان، هرزه‌نگاری کودکان را ممنوع اعلام نمایند و عاملان این جرم را به مجازات‌هایی متناسب با ماهیت خطرناک این جرم، محکوم نمایند. بر اساس ماده ۳ این پروتکل کشورهای عضو، تولید، توزیع، انتشار، ورود، صدور، عرضه، فروش یا مالکیت هرزه‌نگاری کودک را جرم‌انگاری خواهند نمود.

در قوانین داخلی ایران، اصطلاحی به نام پورنوگرافی وجود ندارد، ولی عدم تصریح به این قید به معنی عدم جرم‌انگاری در این موضوع نیست، چنانچه به استناد قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحیه ۱۳۸۶/۱۰/۱۹ نه تنها این عمل جرم بوده، بلکه امکان مطالبه ضرر و زیان بزه‌دیده از این جرم قابل تصور است. چنانچه بر اساس ماده ۷، زیان‌دیده از جرائم مذکور در این ماده حق مطالبه ضرر و زیان را دارد. دادگاه با احراز مکره‌بودن بزه‌دیده (موضوع صدر ماده ۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ارزش البکاره، مهرالمثل یا حسب مورد هر دو محکوم می‌نماید. بزه‌دیده قادر خواهد بود دعوی مطالبه ضرر و زیان و هزینه درمان را در دادگاه کیفری صالح یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نماید. بر اساس تبصره ۳ بند «ب» ماده مذکور استفاده از کودکان (صغار) برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیر مجاز موضوع این قانون از عوامل مشدده بوده و موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عاملان آن می‌باشد. با تصویب قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز دارند»، ضمانت‌های اجرایی سنگین‌تری پیش‌بینی گردید (۳۱). به موجب این قانون عامل کودکی و استفاده از کودکان برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوار و یا لوح‌های

فشرده غیر مجاز موجب تشدید مجازات عاملان هرزه‌نگاری به حداکثر مجازات‌های مقرر خواهد بود.

نکته جالب در این قانون نگرش دوگانه به کودک است، به این معنی که این قانون از یکسو به حمایت عام از کودک بزه‌دیده این جرم پرداخته و از سوی دیگر بدون توجه به عامل کودکی، بسیاری از کودکان زیر ۱۸ سال را در ارتکاب این جرم مانند بزه‌کاران بزرگسال قابل مجازات اعلام می‌کند.

نتیجه‌گیری

امروزه قلمرو موضوع‌های مربوط به حقوق بشر و حقوق کودک به طور عام و روز به روز وسعت بیشتری به خود می‌گیرد. به نوعی که احترام به حقوق کودک اندیشه‌ای اساسی در تربیت و مساعدت همه‌جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان می‌باشد. از آنجایی که کودکان همواره آسیب‌پذیرترین قشر جامعه هستند، بی‌شک نیازمند حمایت بیشتری در جهت حفظ کرامت، حقوق و مصالح خود از سوی والدین و نهادهای سیاستگذاری و قانونی در مقابل کج‌روی‌های اجتماعی هستند، این در حالی است که با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی نه تنها اشکال جدیدی از ناهنجاری‌ها پدید آمده، بلکه میزان رواج و نیز معنی و مفهوم آن‌ها تغییر یافته است که ضرورت ایجاد ساختار حمایتی تقنینی لازم و کافی را از کودکان دوچندان نموده است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به خشونت جنسی بر علیه کودکان اشاره داشت. بنا بر نظر بزه‌دیده‌شناسان از میان انواع مختلف خشونت، اذیت و آزار جنسی نگران‌کننده‌ترین رفتار است و تأثیرات مخربی بر روحیات و عواطف انسانی می‌گذارد. به علاوه، آمار ارائه‌شده در این زمینه نیز بسیار نگران‌کننده است.

خشونت جنسی در معنای عام آن در طبقه‌بندی جرائم، جزء جرائم خلاف عفت و اخلاق عمومی جامعه و یا جرائم جنسی محسوب می‌شود، در دوهه اخیر جرم‌انگاری خشونت جنسی بر علیه کودک در عرصه حقوق بین‌المللی به واسطه اسناد بین‌المللی حقوق بشری از سویی و اسناد خاص حقوق کودکان نظیر کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن در قالب حمایت‌های کیفری خاص از کودکان مورد توجه واقع شده است. در نظام حقوقی ایران، اگرچه جرم‌انگاری خاص در مورد برخی رفتارها و جرائم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد و تشدید

کیفر این‌گونه جرائم مرتکبان این‌گونه جرائم، راه‌کاری اساسی در حقوق جزا برای حمایت کیفری بیشتر و مستحکم‌تر از اطفال است، اما در موارد عدیده‌ای شاهد خلأ قانونی در تعریف خشونت جنسی بر علیه کودک و حتی ساختار حمایتی موجود هستیم. شاید بتوان یکی از دلایل این خلأ را تعریف قانون از دوره کودکی و همچنین حذف قید «صغر سن و بلوغ» در اصلاح قانون مجازت ۱۳۹۰ را دانست. بنابراین لازم است تا صاحب‌نظران به چالش‌ها و نقایص حقوقی موجود در این زمینه به منظور اصلاح و بازنگری، توجه کرده و انعطاف لازم را از خویش نشان دهند.

پیشنهادات

- ۱- تسریع در رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده کودکان قربانی خشونت جنسی.
 - ۲- ایجاد معاضدت‌های قضایی و حقوقی برای تعیین و کیل تسخیری برای کودکان آسیب‌دیده در موارد لزوم ۳
 - ۳- لزوم بازبینی در معیار سن کودکی و عدم انحصار آن بر قید بلوغ، جهت توسعه چتر حمایتی قانون از کودکان بزه‌دیده. چراکه بر اساس تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. این در حالی است که این تعریف از کودک با واقعیات جامعه و شرایط اقلیمی ایران، روانشناسی رشد کودکان و نوجوانان به ویژه در دختران مطابقت ندارد. بنابراین ضروری است تا با ملاحظه در تعریف دوران کودکی این دوران را نسبت به دختران تا سن ۱۳ سال که غالباً در ایران با شروع قاعدگی است، گسترش داد.
 - ۴- ایجاد دفتر حمایت حقوقی و قضایی از کودکان در مراجع قضایی با اختیارات لازم و مقتضی جهت دفاع از کودکان آزاردیده.
- بر اساس آنچه بیان شد، کوشش‌ها و حمایت‌های قانونی از کودکان کم نیست، اما مسلماً تکیه تنها بر قوانین و مقررات موجود به تنهایی کافی نخواهد بود. در این راستا شناخت عوامل و خلأهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ایجاد ناهنجاری خشونت بر علیه کودک به ویژه خشونت جنسی در پیشگیری از بروز آن بی‌تأثیر نخواهد بود. همچنین ارائه آموزش‌های لازم و کافی به کودک و تربیت جنسی وی از عوامل بازدارنده از وقوع این جرم خواهد بود.

References

1. Aghabrglouie A, RasoulZadeh K, Mosavi H. Child abuse. Theran: Avande Danesh; 2002.
2. Mannarino AP, Cohen JA. Child Sexual abuse. Edited by Hersem M, Thomas JC. Comprehensive handbook of Personality and Psychopathology. Newjersey: Johen Wiley & Sons; 2006. Vol.3.
3. Gharachorloo R. The Legal Challenges of Sexual Abuse Child's in Iran. The Journal of the Association of Lawyers the Association of Lawyers 1384; 191(4): 183-197.
4. Johnson R, Kotch JB, Catellier DJ, Winsor JR, Dufort V, Hunter W, et al. Adverse Behavioral and Emotional Outcomes From Child Abuse and Witnessed Violence. Child Maltreatment 2002 7(3): 179-186.
5. Kamel Abbasi AM, Agha Mahadian Sherbaf H. Child Abuse: A review of child sexual abuse. 1st Student National Congress on Social Determinants of Health. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2010.
6. Zargar F, Neshate Doost H. Analysis of Demographic Affecting the Child abuse In Isfahan. Family Magazine 2006; 2(6): 165-176.
7. Saberi M, Mohamadi M. New attitude to: "Legal Psychiatry" Knowledge of Productivity of Psychological Concepts in the Judiciary. 2nd ed. Tehran: Tayeb and Teymorzadeh; 1384.
8. Labbaf F. Child police, role of pediatric police in dealing with child abuse from the perspective of police and welfare organization. Journal of Police Knowledge 2014; 16(2): 43-62.
9. Golshanpajoh M. NGOs Effective tools for promoting human rights, Preparing and setting up the Center for Human Rights Studies. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University; 1382.
10. Najafi Abranabadi A, khaleghi A, Zeinali AM. Criminal Protection of Children against sex tourism, from global prohibition to civilian system response. Juridical Research 2009; 50: 83-117.
11. Ghari Seyd Fatemi M. Human rights in the contemporary world. 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University Press and Publishing Center; 1382.
12. Abachi M. Child abuse. Iranian Criminal Law Association Newsletter 2007; 3(9):3-10.

13. Mosaffa N. Convention on the Rights of the Child and its efficiency in domestic law of Iran. Tehran: Gerayesh; 1381.
14. Rezaee R. Analysis of rape from point of Criminology views'. Detective 2017; 4(41): 37-49.
15. <http://www.Fars News.ir>. 2018.
16. <http://www.Yjc.ir>. 2018.
17. <http://www.Yjc.ir>. 2017.
18. Dayhim A. International criminal law. Tehran: Ministry of Foreign Affairs; 2002.
19. Farajiha M, Azari H. Criminal protection of victim women of rape in Iran law. Social Welfare 1390; 11(40): 293-308.
20. Amiri F. Development of International Criminal Law in Light of Criminalization of Forced Marriage by the Special Court for Sierra Leone. International Law Magazine 2010; 27(43): 267-291.
21. Omidi J. A comparative critical discussion on the marriage and marriage guardianship. Tehran: Mizan; 2016.
22. Ahmady K. An Echo of Silence: A Comprehensive Research Study on Early Child Marriage in Iran. Journal of Humanities and Islamic Strategic Studies 2017; 4(11): 1-37.
23. Taheri H, Ghanbari Kermanshahi S. Of Child Abuse Crime from the perspective of the Islamic Penal Code and Imamie Jurisprudence. Jurisprudential Research 2009; 3(6): 51-68.
24. Eslami R, Mirian S. Children's sexual slavery and mechanisms against that in the international system of human rights. Criminal Law Research 2015; 1(11): 22-30.
25. Tanja S. Child trafficking the problem of the borders. Translated by Moghimi M. Tehran: Police Woman Magazine; 2009.
26. Habibzadeh MJ, Sharifi M. Trafficking in human beings: From the outset the necessity of acceding to the Palermo Convention and the Additional Protocol. Quarterly Journal of Defense Policy 2012; 3(80): 218-253.
27. Hashemi N. Law regarding the human trafficking in Iran by considering international documents. Law Studies 2017; 2(13): 61-76.

28. Ghannad F, Akbari M. Iran's Criminal Policy against Children and Juvenile Victims of Sexual Tourism. *Criminal Law Research* 1393; 2(5): 128-140.
29. Khaleghi A, Zeinali AH. The criminal protection of children Against sexual tourism. *Journal of Legal Research* 2009; 3&4(50): 84-115.
30. Negahi M. Child Pornography: A Study on the International Instruments and the Iranian National Legislation. *Criminal Law Research* 1391; 3&4(6): 142-156.
31. Madani S, Zeynali A. *Children's rights in Iran, pathology*. Tehran: Mizan; 2011.